

خشت اول گرنهد معمارکچ
تا ثریا میرود دیوار کچ (۲)

جبهه‌همبستگی "جبهه‌متحد" ائتلاف‌همگانی " شورای هماهنگی و هر آنچه که نامش نهم نیازمند اتصال همگانی به ریسمان محکم و ارتباطاتی تنگاتنگ و ارگانیک میان نیروهای تشکیل دهنده آن میباشد که این ریسمان باید از جنس دمکراتیک باشد* جنس دمکراتیک در معنی و مفهومی واقعی یعنی ارتباط از روبرو بدون پیش شرط‌ها و پیش فرض‌های فرقه‌ای و تعصب‌گرایانه "جنس دمکراتیک یعنی احترام سیاسی متقابل یعنی حق‌رای و نظر مساوی و برابری یعنی همگامی و مشارکت صادقانه برای نیل به اهداف و برنامه مرحله‌ای و مواد مورد قبول و پذیرش نیروهای تشکیل‌دهنده آن که همانا تعهد و پایبندی به مطالبات مرحله‌ای زحمتکشان در تجمع دمکراتیک نیروهای پراکنده میباشد* پایبندی به این نکات عام شرط ورود به عرصه همگامی و اتحاد عمل سیاسی است اما اینها تماما تنها وجهی از واقعیت و حقیقت است و وجه دیگر آنست که این دخلبه مطلب متکی به تجربه باشد" گذشته را چراغ راه آینده نهد و تاریخ را ورق زند تاریخی که سراسر دزدان بوده‌اند " دزدانی که خورشید را وعده داده‌اند و سیاهی و ننگ رابه ارمغان آوردند* تاریخ اندیشانی که آفتاب و نور راسلاخی کردند و بنام دین و مذهب و سایه‌خدا و تمدن بشریت را به خاک و خون کشاندند* بنابر این پا نهادن در چنین عرصه‌ای علیرغم نیاز فوری و ضروری به آن مسؤلیتی خطیر و تاریخی در پی خواهد داشت مسؤلیتی انقلابی که وظیفه‌اش پیشگیری و مسدود نمودن مجاری پیدایش مجدد شاهان و شاه‌زادگان اهدایی سرمایه‌جهانی و ولایت‌های انتقادناپذیر و نازل‌شده از آسمان میباشد* ممانعت پیگیرسیستماتیک و ماهوی از ظهور دوباره چنین پدیده‌هایی و تکرار مجدد بهمن تنها و تنها با اشاعه کامل و دفاع مقدس از دمکراسی برای همه و عهد اخوت بستن با مردم و مطالبات برحقشان امکانپذیر خواهد بود* بدین لحاظ گفتگوهای ابتدایی از اهمیت حیاتی برخوردار است و آن نیز سرنوشت و اساسا حیات این طرح میباشد قدر مسلم این است که برای ورود به این مباحثات بایستی که از تعلقات ایدئولوژیک و آرمانهای استراتژیک فاصله گرفت و بر نقاط مشترک که مانند خط‌سرخ همه این نیروها را یکدیگر متصل میکنند متمرکز شد چنانچه این فصول مشترک وجود خارجی داشته باشند که ظواهر و شواهد خلاف آنرا نوید میدهند بدین معنا که سازمان مجاهدین با توسل به عملیات مسلحانه "که بحث حول تاثیرات مخرب آن بر جنبش مبارزاتی توده‌ها و نیروهای دیگر اپوزیسیون را به آینده موکول میکنم " خود را بعنوان تنها جریان معتقد به این شیوه از مبارزه سیاسی نظامی معرفی نموده است آیا عرصه جبهه دخالت و ورود این سازمان و رجوع

به فعالیت سیاسی اصولی و فاصله از مشی چریکی نظامی خواهد بود؟ و یا اینکه این مجموعه بایستی به تقویت آن مشی سیاسی و حمایت فعال از ارتش آزادیبخش سازمان در جوار حکومت عراق بپردازد و در این صورت باید گفت که هم اکنون سیاست کلی بین‌المللی جبهه درمقابل این حکومت تعیین شده می‌باشد؟ قدر مسلم آنستکه سازمان مجاهدین و شورا در گفتگوهای ابتدایی این مجموعه پاسخگویان فعالی خواهند بود که برای ایجاد جبهه مسیری جز انتقاد از خود صادقانه آنان باقی نخواهد ماند "چنانچه نیت ایندو نهاد سیاسی نظامی تشکیل جبهه باشد و نه گسترش شورا!

بی‌تردید اپوزیسیون انقلابی و دمکراتیک پتانسیل و توان آنرا دارد تا در سیاست و مبارزات جاری در عرصه سیاسی دخالت نموده و موثر واقع شود و مجامع دمکراتیک بین‌المللی را با روند اعمال و اقدامات ضد دمکراتیک و ضد بشری رژیم آشنا نموده و این مجموعه را حساس و فعال نماید" نگاهی به کارزارهای سیاسی چند ساله اخیر نشان‌دهنده این حقیقت می‌باشد " امام‌قوله جبهه و ابعاد سیاسی و حوزه‌های عملکرد آن بسیار وسیع تر و گسترده تر می‌باشد * جبهه پدیده ایست که مجموعه‌ای از عملکردها و خطوط سیاسی نظری و پراتیک را در برابر خود خواهد داشت و دقیقاً بدین علت است که شرکت در بحث‌ها و گفتگوهای اولیه ضرورتاً بایستی آگاهانه و مسؤلاًنه صورت پذیرد و بیش از هر چیز سازمان مجاهدین و شورای مقاومت را باید به پاسخگویی طلبید *

شکی نیست که برای نیروهایی که به این طرح نظر مثبت دارند شرکت در این بحث‌ها و گفتگوهای اولیه و ابتدایی به معنای مفهوم پذیرش فعالیت مشترک در چارچوب جبهه همبستگی نخواهد بود و پیش از هر چیز باید به طراحان آن یادآوری نمود که مطالبات و مبارزات کارگران و زحمتکشان و دانشجویان و جوانان و ۰۰۰۰ برای رهایی و آزادی و دمکراسی است و نه تحقق شعارهایی از قبیل " ایران رجوی جمهوری ایران " و کمبود ریاست جمهوری خانم رجوی توده‌ها را به خیابان و مبارزه رو در رو با جانیان حاکم نکشاند و نمیکشاند بلکه نبود حقوق ابتدایی و فقر و فلاکت و ستم سیاسی و اجتماعیست که چنین بی‌پروا سینه در سینه این رژیم تا به دندان مسلح می‌افکنند * مردم ایران اینبار می‌خواهند و عزم آن را دارند که آزادی و دمکراسی را خود تعریف کنند * دخالت در سیاست و حق تعیین سرنوشت را با تشکل‌های مستقل خود معنی کنند * بنابر این چنانچه به ماهیت این مبارزات و به مقوله "اتحاد عمل مشترک" به معنای حقیقی و دمکراتیک آن معتقدند باید تکلیف خود را با منتقدین بی‌شمار خود در عرصه اپوزیسیون مشخص کنند و تن به یک خانه تکانی دمکراتیک و

انقلابی دهند همانطور که این خانه تکانی دربرخی از نیروهای سیاسی دیگر نیز باید انجام پذیرد تا زمینه‌های اتحاد عملی با ثبات و حقیقی فراهم آید*
از جانب دیگر نیروهایی که از موضع انتقادی به‌طراحان جبهه همبستگی ملی به تحریم مباحثات ابتدایی معتقدند و انتقادات صحیحی رامطرح میکنندبایستی در زمینه و بستر پاسخگویی به ضرورت‌ها و نیازهای مبارزات توده‌ای به طرح اثباتی بپردازند در غیر اینصورت این تحریم جز موضعی انفعالی معنایی نخواهد داشت *

ruzbeh2009@yahoo.de

روزبه وین